

زمینه‌های سیاسی موجود در مصر برای انتشار روزنامه‌های فارسی

کریم جعفری*

بررسی تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی در هر کشوری نیازمند شناخت جهان پیرامونی آن در وهله نخست، و سپس شناخت نیروهای تأثیر گذار بر آن جریانات است. در این میان وجود کشورهای پیشرو یا همان‌هایی که به آن‌ها دروازه‌های ورود و خروج می‌گویند، خود نشان دهنده میزان اهمیت این کشورها و به تبع میزان ماندگاری هر نوع صادرات یا واردات - اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... - می‌باشد.

مصر از جمله کشورهای خط مقدم است که به دلیل موقعیت ویژه‌اش - قرار گرفتن در قاره آفریقا، حضور در خاورمیانه از طریق صحرای سینا و داشتن مرز آبی با مدیترانه که آن را همسایه کشورهای اروپایی می‌کند - یکی از دروازه‌های اصلی صادرات و واردات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی از دنیای قدیم تا عصر انفجار اطلاعات و درنوردیده شدن مرزها بوده است. در جهان باستان، شهر - دولت‌های یونانی به مصر به مثابه انبار غله خود نگاه می‌کردند و هنگام هجوم رومی‌ها به یونان آن‌جا هنوز مرکزی فرهنگی به شمار می‌رفت، دو قرن در دست ایرانیان بود و اسکندر، شهر اسکندریه را بر ساحل



مدیترانه در شمالی‌ترین نقطه آن ساخت تا مکتبی فلسفی به همین نام در آن‌جا به وجود آید. مصر محل تلاقی فرهنگ‌های آسیایی، آفریقایی و اروپایی از دیرباز تاکنون بوده است، پس از ظهور اسلام و گسترش آن در شرق و غرب، عمرو عاص به فرماندهی سپاهی کوچک یکی پس از دیگری پادگان‌های امپراتوری بیزانس را در آن‌جا فتح کرد و به سرعت به سمت غرب پیش رفت. ورود قبطیان به دنیای اسلام و پذیرش آیین جدید توسط آن‌ها که با اندوخته تمدنی رومیان آکنده بود، از بیابان‌های مصر سرزمینی فرهیخته ساخت. حکومت متوالی امویان، عباسیان، فاطمیان، ایوبیان، ممالیک بحری و بری، عثمانی‌ها و بالاخره خدیوان مصر بر این سرزمین، تاریخی متفاوت را برای آن به وجود آورده است.

در این مقاله سعی بر آن است با نگرشی تاریخی به تحولات فرهنگی و سیاسی مصر، محیط این کشور را در قرن نوزدهم مورد بررسی قرار دهیم و جایگاه این کشور را در معادلات جهانی آن روز نگاهی گذرا بیفکنیم، شاید از این رهگذر بتوانیم دلایل انتشار **نشریات فارسی زبان** چون «حکمت» و «ثریا» و غیر آن‌ها را در آن سرزمین پی بگیریم. مصر در سال ۹۲۳ هجری و در زمان سلطان سلیم عثمانی به تصرف ترکان در آمد. سلطان سلیم که پیش از آن در جنگ چالدران شاه اسماعیل صفوی را شکست داده بود، این بار می‌خواست با تصرف شامات، مصر و حجاز و هم‌چنین بغداد به نوعی خلافت عباسی را تداوم دهد. چه این که پس از سقوط بغداد و هلاکت مستعصم بالله آخرین خلیفه عباسی به چوب فراشان هلاکوی مغول، یکی از اعضای این خاندان با پناه بردن به دربار ممالیک عملاً بساط خلافت را آن‌جا گسترده بود، هر چند قدرت عملی نداشت، اما می‌توانست برای مشروعیت بخشیدن به نظام حاکم بر مصر و شام حربه خوبی باشد.

سلطه مستقیم ترکان عثمانی بر مصر قریب به ۳۰۰ سال طول کشید و در این مدت حاکمان مصر عموماً از **باب‌عالی** روانه این سرزمین می‌شدند و شیخ الازهر رقابت تنگاتنگی با مفتی باب عالی داشت. امپراتوری گسترده عثمانی باعث شد تا مصر به عنوان یکی از مهمترین ایالت‌های آن به سرعت وارد بازی‌های سیاسی شود، از یک طرف نیروی دریایی عثمانی در مدیترانه و دریای سرخ بیشتر متکی بر مصری‌ها بود و از جانب دیگر مصر حلقه ارتباط زمینی میان عثمانی و سرزمین‌های غرب آفریقا که جزو متصرفات



آن‌ها بود، به شمار می‌رفت. این جایگاه معین مصر باعث شد تا این سرزمین مورد توجه اروپایی‌ها قرار گیرد.

در میانه قرن نوزدهم و پس از جنگ‌های طولانی میان عثمانی و ایران در زمان نادر شاه افشار، از هیمنه و قدرت نظامی این کشور به شدت کاسته شد، به گونه‌ای که در پایان این قرن به عثمانی لقب «مرد مریض اروپا» را داده بودند. این مرد مریض نه توان مقابله با هجوم گاه و بی‌گاه روس‌ها را داشت و نه می‌توانست در مقابل امپراتوری هابسبورگ‌ها در اتریش مقاومت کند. در این میان بود که عثمانی به سرعت کنترل خود بر سرزمین‌های غرب آفریقا چون الجزایر، مراکش و تونس را از دست داد و امیرانی مستقل بر آن‌ها حکومت کردند، هر چند آن‌ها در ظاهر تابع امپراتوری عثمانی بودند ولی در عمل از استقلال عمل بسیاری برخوردار شدند.

در زمانی که جنگ‌های ایران و عثمانی بر سر بغداد در جریان بود، اروپا تحولات عدیده‌ای را پشت سر می‌گذاشت، تحول از مدل اقتصادی مرکانتالیسم به سوی لیبرالیسم که انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها مبلغ آن بودند از یک سو و تغییر رویه فرانسوی‌ها در قبال عثمانی که از زمان لویی چهاردهم آغاز شده بود، اوضاع را به سرعت به ضرر عثمانی‌ها تغییر داد. استبدادی که سلاطین عثمانی در این دوران از خود نشان دادند، باعث آن شد تا روز به روز فاصله میان مردم و باب عالی بیشتر شود و از طرف دیگر جنگ‌های بی‌نتیجه با ایران خرج سنگینی بر دوش سلاطین عثمانی و پاشاهای آن‌ها در عراق تحمیل کرد. این موضوع باعث شد تا باب عالی برای به دست آوردن هر چه بیشتر پول مالیات‌های جدید ببندد و فشار بیشتری بر مردم تحمیل کند، بدون آن که بخواهد امتیازی به مردم دهد. عثمانی در نیمه دوم قرن هجدهم، زمانی که «پرفسور روزول پالمر» به آن لقب **عصر انقلاب‌های دمکراتیک** نهاده بود، به شدت مستبدتر گردید. ارتش و دیوانسالاری عثمانی به مانند بسیاری دیگر از ملل مشرق زمین هنوز هم مثنی سستی داشتند و از آن‌ها انتظار معجزه نمی‌رفت، خبر استقلال آمریکا در ۱۷۷۷ میلادی خیلی زود به اسلامبول رسید و این که مردم فرانسه علیه امپراتور خود شوریده‌اند و سر شاه و ملکه را با هم بر تیغه گیوتین نهاده‌اند، نیز به سرعت ساختمان‌های باب عالی را می‌پیمود و به گوش سلطان عثمانی می‌رسید. عصری که به آن **عصر انقلاب دمکراتیک** می‌گویند با انقلاب



فرانسه به اوج خود رسید، دسته بندی‌های سیاسی و نظامی میان کشورهای اروپایی رخ نمود این مقدمه‌ای شد تا پس از کنفرانس وین در سال ۱۸۱۵ م انقلاب صنعتی به سرعت کشورهای اروپایی را درنوردد.

انقلاب فرانسه تأثیر فراوانی بر آینده سرزمین‌های تابعه عثمانی گذاشت. در سال ۱۷۹۸ ناپلئون بناپارت ژنرال جوان ارتش انقلابیون که در شمال ایتالیا برای خود نیمچه درباری فراهم کرده بود و علاقه فراوانی هم به مشرق زمین، به خصوص ضربه زدن به مستعمرات انگلیسی‌ها در شرق داشت، به صورت غیر منتظره‌ای توانست از شمال ایتالیا و دریای بالتیک طول شمال به جنوب مدیترانه را طی کند و خود را به مصب رود نیل برساند. حمله فرار گونه ناپلئون که از چنگ نیروی دریایی انگلیس صورت گرفت، تأثیر بسیار زیادی بر آینده مصر از یک طرف و دنیای اسلام از طرف دیگر گذارد. ناپلئون هنگامی که پا به مصر گذارد همان گونه که مشهور است انبوهی از باستان‌شناسان را با خود به مصر آورد تا گنجینه‌ها و دقینه‌های فرعون‌های مصر را به غارت ببرد.

ژنرال جوان انقلابی فرانسه، علاوه بر این همراهان غارتگر گروه دیگری از پزشکان، هنرمندان موسیقی و نقاشی و هم‌چنین سلاح‌ها و نظم پیشرفته ارتشی را هم با خود برای مصری‌ها به ارمغان آورد. اگر شبه قاره هند و تصرف آن توسط انگلیسی‌ها را تصرف کشوری مسلمان در نظر نگیریم، مصر اولین کشور اسلامی بود که با قوه قهریه و توسط یک کشور اروپایی تصرف می‌شد. باب عالی ضعیف‌تر از آن بود که بتواند فرانسوی‌ها را از خاک مصر بیرون براند. شعاری که ناپلئون با خود آورده بود یعنی برابری و برادری، پیش از آن که مردم اروپا را طرفدار انقلاب فرانسه کند و پیروزی‌های متعددی برای ناپلئون به ارمغان آورد، باعث شد تا مردم مصر پس از گذشت قرن‌ها از ورود اسلام یک بار دیگر با این شعار آشنا شوند.

ناپلئون برای کسب قدرت یک سال بعد باز هم با به در بردن جان سالم از دست نیروی دریایی انگلیس که تقریباً توان دریایی او را در نبرد نیل (ابوقیر) در هم شکسته بود، مصر را ترک کرد و به پاریس رفت. مصر به مدت سه سال و دو ماه در کنترل فرانسوی‌ها بود، تا آن که آن‌ها بر اثر درگیری با عثمانی‌ها از یک طرف و انگلیسی‌ها که می‌خواستند مصر را در تصرف خود داشته باشند، مجبور به ترک این سرزمین شدند. حضور سه



ساله اروپایی‌ها (فرانسوی‌ها) که به نظر مردم مسلمان و معتقد مصر گروهی کافر بودند، از همان آغاز تفکری را در میان مردم مصر بنیان افکند که بعدها به آن «تفکر سلفی» گفته شد اما هنوز زمان زیادی مانده بود تا بانیان و پیروان تفکر سلفی به دنیا بیایند و در آغاز قرن نوزدهم این پدران آن‌ها بودند که تصمیم به اخراج بیگانگان گرفتند.



پادشاه مصر محمد علی پاشا

باب عالی که دید نمی‌تواند مصر را به صورت مستقیم اداره کند و هر آن ممکن است این سرزمین به دست رقیبی بیفتد به فکر چاره افتاد و یکی از افسران جوان و

ورزیده خود را که هم سن و سال ناپلئون بود و به اندازه وی هم نبوغ نظامی داشت راهی مصر کرد. محمد علی پاشا که از صفر ۱۲۲۰ هـ/ ۱۷ مه ۱۸۰۵ تا ۲ شوال ۱۲۶۲ هـ / اول سپتامبر ۱۹۴۸ م بر مصر حکم راند، سلسله‌ای را در مصر بنیان افکند که مصر جدید از بطن آن بیرون آمد، خدیوان مصر که یک‌صد و پنجاه سال بر این سرزمین حکم راندند عنوان اولیه خاندان محمد علی پاشا بود که بعدها عناوینی چون پاشا، والی، امیر، سلطان و ملک بر خود گرفتند و در مجموع یازده تن از آن‌ها به حکومت رسیدند. مصر در مسیر جدیدی گام گذاشته بود و هیچ راهی هم برای بازگشت آن نمی‌شد متصور بود. حکومت ۴۲ ساله محمد علی پاشا بر این سرزمین از آن موجودیت مستقلی به وجود آورد که تقریباً از سلطنت عثمانی جدا بود و از باب عالی فرمان نمی‌گرفت. این آلبانیایی تبار که از همان جوانی وارد ارتش عثمانی شده بود و با یک بیوه ثروتمند ازدواج کرده بود، فرماندهی یکی از گردان‌های ارتش عثمانی در بالکان را بر عهده داشت که روانه مصر شد. انگلیسی‌ها در این میان با در دست گرفتن کنترل شبه قاره هند، درصدد بودند به هر طریق ممکن راه قدرت‌های آن روز برای نفوذ به آن‌جا را سد کنند. آن‌ها به صورت هم‌زمان در سه جبهه مشغول بودند، یکی در جبهه ایران که با مرگ الکساندر، جانشین‌اش





دوباره هوس کشور گشایی کرده بود تا به آب‌های گرم برسد، دیگر در اروپا بود که انقلابیون فرانسوی مشغول در نوردیدن اروپا بودند و تقریباً نفس ساکنان جزیره را گرفته بودند و سوم هم در مصر. انگلیسی‌ها برای کنترل بر این سرزمین نزدیک به هشتاد سال صبر پیشه کردند تا آن که در اواخر قرن نوزدهم توانستند تحت عنوان‌های گوناگون بالاخره این کشور را تحت قیمومیت خود درآورند.

فرانسوی‌ها نشان داده بودند که مصر نقطه

مهمی برای رسیدن به هند است، بنابراین

انگلیسی‌ها در دو جبهه، یکی حمایت از امپراتوری عثمانی که نمونه‌اش جنگ کریمه در سال ۱۸۵۴ بود و دیگر تمرکز بر مصر درصدد برآمدند تا راه کوتاه امپراتوری هند خود به سرزمین مادر را کوتاه‌تر کنند.

محمد علی پاشا هنگامی که به عنوان معاون خسرو پاشا در تیب عمل کننده علیه فرانسوی‌ها در سال ۱۸۰۱ به مصر آمد آن‌قدر آبدیده شده بود که جریان‌های حاکم بر جهان آن روز را تشخیص دهد. وی کمی پیشتر در بالکان جایی که امپراتوری اتریش - مجارستان علیه فرانسوی‌ها می‌جنگید با عقاید جدید و تفکرات آن‌ها آشنا شده بود. وی به خوبی می‌دانست که برای مقابله با اروپایی‌ها اگر ارتش قوی و آماده‌ای وجود نداشته باشد خیلی زود باید قافیه را به نفع حریف باخت. عملکرد مثبت او در طول دوران اقامتش در قاهره باعث شد تا در سال ۱۸۰۵ مردم مصر خواستار حکمرانی وی شوند و وی به عنوان والی مصر معرفی شد، چندی بعد هم باب عالی مجبور شد تا طی حکمی وی را رسماً به عنوان حکمران مصر تعیین کند.

محمد علی پاشا پس از آرام کردن اوضاع آشفتنه مصر و ثبات اقتصادی به وجود آمده، در راه تثبیت سیاسی خود نیز کوشید. وی در سال ۱۸۱۱ در قلعه شهیره باقیمانده



ممالیک را به شدت سرکوب کرد و سپس به حجاز لشکر کشید و آنجا را هم متصرف شد. اقدامات نظامی محمدعلی پاشا دامنه‌اش به نوبه - سودان -، شام، فلسطین و جزیره کرت هم کشیده شد او که وقعی به اعتراضات باب عالی نمی گذاشت، نه تنها ترس دربار عثمانی را برانگیخت بلکه اروپایی‌ها را هم ترساند. بنابراین در سال ۱۸۴۰ دولت عثمانی به همراه دیگر کشورهای اروپایی گرد هم آمدند و موافقتنامه‌ای را امضا کردند که به موجب آن محمد علی پاشا به عنوان نایب السلطنه مصر شناخته می‌شد و مصر به حدود قدیم خودش باز می‌گشت، بزرگ‌ترین اولاد ذکور خانواده وی عنوان جانشینی می‌یافتند، مصر جزئی از دولت عثمانی شناخته می‌شد و باید به باب عالی مالیات سالانه پرداخت می‌کرد، ارتش آن نیز نباید از هشتاد هزار نفر تجاوز کند، در عین حالی که کشتی‌های جنگی نیز نباید داشته باشد.

بنیانی که محمد علی پاشا برای حکومت‌داری افکنده بود بر نوعی **تساهل** استوار بود، این تساهل که مصری‌ها به خصوص پس از حضور فرانسوی‌ها با آن آشنا شده بودند از این کشور پناهگاهی برای همه روشنفکران جهان اسلام از جمله ایران ساخت. تجارت در سایه امنیت برقرار شده گسترش یافت و مدارس مدرن و جدیدی به سبک اروپایی‌ها تأسیس شد. قاهره به عنوان بزرگ‌ترین شهر قلمرو امپراتوری عثمانی پس از اسلامبول به همراه بندر اسکندریه، محلی شد برای باز اندیشی تفکرات اسلامی.

محمد علی پاشا در سال ۱۹۴۸ بر اثر بیماری به نفع پسر بزرگش ابراهیم پاشا از حکومت کناره گیری کرد، وی که هفتاد دهه از عمرش می‌گذشت، هر چند بر اثر مقاومت گروهی از مردم مصر نتوانست آن‌گونه که باید و شاید جامعه مصر را متحول کند، اما حداقل در آن زمان مردم مصر را نسبت به دیگر مردم مشرق زمین و دنیای اسلام آگاه‌تر کرد. مشکل اصلی محمد علی پاشا، همان چیزی بود که امیر عبدالقادر الجزایری با آن مواجه بود، یعنی عدم پذیرش اصلاحات توسط مردم. امیر عبدالقادر هم نتوانست طی جنگ‌های متعددی هجوم اولیه فرانسوی‌ها به کشورش را دفع کند، اما هنگامی که تصمیم گرفت به صورت ریشه‌ای با این هجوم نظامی مقابله کند، سران قبایل و عشایر الجزایر که از طوایف بربر و طوارق بودند به سرعت از وی بریدند. عبدالقادر مشکل اساسی کشورش را در میزان آگاهی و پیشرفت علمی می‌دانست، چون خواست مدارس



مدرن با اسلوب‌های جدید تأسیس کند، به سرعت از وی بریدند. جانشینان محمد علی پاشا در مصر هم با همین مشکل رو به رو بودند، هر چند آن‌ها مانند ایران در جنگ با روس‌ها و انگلیسی‌ها شکست نخورده بودند، اما کم‌کم وابستگی مزمونی به انگلیسی‌ها پیدا کردند. آن‌ها به سرعت بر استبداد خود افزودند و قحطی و بدهکاری را برای مصر به ارمغان آوردند.

در زمان عباس حلمی اول که از سال ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۴ عنوان والی مصر را داشت، ارتش مصر مضمحل شد و نیروی دریایی از بین رفت، بسیاری از مدارس و آموزشگاه‌ها نیز بسته شد، او علاقه‌ای به حکمرانی نداشت و بیشتر اوقات بی‌کار می‌گشت تا آن که در سال ۱۸۵۴ در قصرش ترور شد. از بین رفتن قدرت مصر که در زمان محمد علی پاشا، حتی کشورهای اروپایی هم از وی حساب می‌بردند، نوعی سرافکنندگی در میان مصری‌ها به وجود آورد، به گونه‌ای که با به قدرت رسیدن اسماعیل بن ابراهیم بن محمد علی، این اضمحلال وارد عرصه اقتدار سیاسی حکومتگران مصری نیز شد.

هر چند وی توانست بسیاری از متصرفات مصر را به خصوص در سودان حفظ کند و هم‌چنان شهر جده را در اختیار داشته باشد، و با دادن رشوه به دربار عثمانی برای خود لقب خدیوی بگیرد، اما بالا رفتن بدهکاری دولت در زمان وی، دست انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها را برای دخالت در امور داخلی مصر باز گذاشت. در دوره حکومت اسماعیل پاشا کار حفر کانال سوئز میان دریای سرخ و مدیترانه آغاز شد، طولانی شدن کار - به مدت ۱۲ سال - و بالا رفتن هزینه‌ها باعث شد تا پاشای مصر انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها را در آن شریک کند. فرنیناندولسپس که قبلاً کانال پاناما را حفر کرده بود این طرح بزرگ را با امکانات آن روز شروع کرد و در سال ۱۹۶۹ به پایان رساند. با فشاری که فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها به باب عالی آوردند سلطان عبدالحمید دوم در ژوئیه ۱۸۷۹ اسماعیل را برکنار و توفیق پاشا را جانشین او کرد.

توفیق پاشا نیز از سال ۱۸۷۹ تا ژانویه ۱۸۹۲ بر مصر حکم راند. در زمان وی اولین انقلاب عربی علیه حکومت وی و دخالت‌های بیش از پیش انگلیسی‌ها که کنترل امور مالی مصر را بر عهده داشتند در سال ۱۸۸۱ صورت گرفت. این حادثه در ماه فوریه در کاخ نیل اتفاق افتاد و سپس در سپتامبر همان سال واقعه میدان عابدین رخ نمود که



بسیاری از مصری‌ها طی آن کشته شدند. ارتش بریتانیا در راستای پیوند میان جنوب و شمال آفریقا در کرانه شرقی در سال ۱۸۸۲ مصر را اشغال نظامی کرد و از همان سال برای اشغال سودان نیز قدم به این سرزمین گذارد که قیام معروف «مهدی سودانی» علیه آن‌ها رخ نمود.

جمع بندی و نتیجه گیری

آن چه که مورد نظر ما در این مبحث است سلطه ۲۲ ساله عباس حلمی دوم است که از سال ۱۸۹۲ تا ۱۹۱۴ بر مصر حکم راند. وی که بر خلاف پدرش میانه خوبی با انگلیسی‌ها نداشت و دربار عثمانی را هم محل فتنه‌های مذهبی و قدرت طلبی توصیف می‌کرد، به سرعت در برابر انگلیسی‌ها قد علم کرد. در زمان وی بود که سید جمال الدین اسد آبادی و شاگردش «عبده» در راستای بازگشت به خویشتن جهان اسلام مبارزه سرسختانه خود علیه استعمارگران را آغاز کردند. عباس حلمی که می‌خواست اصلاحات متعددی در درون کشور انجام دهد، انگلیسی‌ها را مانع عمده فعالیت خود می‌دید، بنابراین به این گونه افراد روی خوش نشان داد. اندیشه سلفی‌گری که رشید رضا معرف آن بود و می‌خواست با تکیه بر مبانی گذشته اسلام هویت قدیم خود و قدرت و حشمت از دست رفته‌اش را باز یابد باز هم در زمان حکومت او رخ نمود.

مخالفت و مقاومت عباس حلمی در برابر انگلیسی‌ها تا آنجا بود که بسیاری از تبعیدی‌های مخالف انگلیسی‌ها در ایران و عثمانی راه مصر را در پیش گرفتند و روزنامه‌هایی چون «حکمت»، «ثریا» و «چهره‌نما» و غیر این‌ها در دوره حکومت وی اجازه انتشار یافتند. محمد توفیق هم‌زمان با آغاز جنگ جهانی اول در حالی که در خارج از مصر به سر می‌برد، مخالفت خود را با حضور انگلیسی‌ها در کشورش اعلام کرد و از آن‌ها خواست تا مصر را ترک کنند، امری که موجب شد تا انگلیسی‌ها وی را به مصر راه ندهند و یکی دیگر از افراد خانواده محمد علی پاشا را عنوان سلطانی دهند.

با نگاهی به روند بالا متوجه خواهیم شد که چرا مصر همواره جزو «خطوط مقدم درگیری فکری و فرهنگی میان اسلام و غرب» بوده و چرا گروه‌هایی مانند «اخوان المسلمین» باید از این کشور سر در آورند و آنجا ملجأ و پناهگاه آزادی خواهان و روزنامه نگاران ایرانی شود. حال اگر در بعد جغرافیایی قضیه نگاه کنیم متوجه خواهیم



شد که مصر به عنوان جزیری از امپراتوری عثمانی به راحتی با عراق که در آن حوزه‌های دینی و قومی شیعه قرار داشتند، در ارتباط بود. این ارتباطها باعث می‌شد تا مطالب مندرج در روزنامه‌هایی چون «ثریا»، «حکمت» و «پرورش» خیلی راحت به دست مجتهدان و علمای شیعه در عراق برسد. این امر علاوه بر آن بود که اختناق موجود در ایران بسیاری از نویسندگان و فرهیختگان ایرانی را فراری داده بود.

مضافاً بر این‌ها نظام پستی و مراسلاتی پیشرفته‌ای که توسط اروپاییان به ویژه انگلیسی‌ها در مصر دایر شده بود و در کوتاه‌ترین زمان محموله‌های پستی را به همه نقاط جهان اسلام و ایران می‌رسانید، موجب آرامش خاطر و دلگرمی مدیران جراید فارسی زبان مصر شده بود و می‌دانستند که انتشار این روزنامه در اسکندریه و قاهره مطمئن‌تر از تهران و تبریز است و به راحتی به دست علاقمندان و خوانندگان مقیم ایران می‌رسد، چنان که مهاجران ایرانی نیز به راحتی به آن‌ها دسترسی پیدا می‌کنند. ■



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی